

سوره سی و چهارم - سباء

این سوره در مکه نازل شده و ۵۴ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

سپاس خدائی را است که هر چه در آسمان‌ها و زمین است متعلق بدوست و در آخرت (نیز) ستایش او را می‌باشد و او فرزانه آگاه است. هر چه را که در زمین فرو رود یا از آن بیرون آید، و هر آنچه را که از آسمان نازل شود یا بدان بالا رود می‌داند و او آمرزگار مهربان است. کافران گفتند هرگز برای ما رستاخیزی نخواهد آمد. بگو آری! سوگند به پروردگارم که برای شما خواهد آمد. او داننده نهان است و همو ذره‌ای در آسمان و زمین، کوچکتر یا بزرگتر از آن، از او پنهان نیست و (همه آنها) در کتابی روشن (لوح محفوظ) ثبت است. تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام دادند پاداش دهد. این گروهند که آمرزش و روزی نیکو بر آنها است. و کسانی که کوشیدند آیات ما را باطل گردانند آنانند که شکنجه و عذاب دردناکی برای آنها می‌باشد! و کسانی که به آنها علم داده شده می‌دانند آن چه از پروردگارت بر تو نازل شده حق است و به راه خدای ستوده مهربان راهنمایی می‌کند. (۱ - ۶)

کافران گفتند اگر می‌خواهید شما را به مردی (یعنی محمد) راه نمایم که به شما می‌گوید وقتی مردید و پوسیده و قطعه قطعه شدید بار دیگر آفریده می‌شوید؟! آیا او به دروغ بر خدا افترا بسته و یا دیوانه است. نه! بلکه کسانی که ایمان نمی‌آورند در آخرت در عذاب و ضلالت دوری باشند! مگر بدان چه در آسمان‌ها و زمین، در پیش یا پس ایشان است، نمی‌نگرند؟ اگر بخواهیم آنها را در زمین فرو می‌بریم یا قطعه‌ای از آسمان بر آنها بیفکنیم. همانا در این امور برای هر بنده توبه‌گر آیت و دلالتی می‌باشد! (۷ - ۹)

و ما به یقین از جانب خود به داوود برتری دادیم (و گفتیم) ای کوه‌ها و ای مرغان با او (ذکر خدا) بگوئید. و آهن را بر وی نرم ساختیم. گفتیم که زره بساز، و در حلقه‌های آن اندازه نگهدار، و کارهای نیکو انجام ده که من بدان چه می‌کنید بینایم! و باد را مسخر سلیمان نمودیم که (رفتن) بامدادی آن راه یک ماهه و سیر شبانه‌اش راه یک ماهه است و بر او چشمه‌ای از مس گداخته روان ساختیم و نیز کسانی از جن را بر وی مسخر داشتیم که به اذن پروردگارش در خدمت او کار می‌کردند و (گفتیم) هر کدام از آنها از دستور ما سرپیچی کند عذاب آتش سوزانی بر او بچشانیم! آنها آن چه را که او می‌خواست از محراب‌ها و تندیس‌ها و کاسه‌های بزرگ و دیگ‌هایی که به سبب بزرگی غیرقابل حمل و ثابت بودند، می‌ساختند. و (گفتیم) ای آل داوود! شکرگزار باشید و اندکی از بندگان ما شکرگزارند! (۱۰ - ۱۳)

و چون مرگ را بر (سلیمان) مقرر داشتیم بر فوت او رهنمون نشد مگر یک جانور زمینی که عصایش را خورد و هنگامی که فرو افتاد بر گروه جن روشن شد که اگر آنها غیب می‌دانستند در عذاب خوار کننده نمی‌ماندند. (۱۴)

اولاد صبا را بر مساکنشان آیتی بود. دو بوستان در راست و چپ، (که گفته شده بود) از رزق پروردگارتان بخورید و به او سپاس بگذارید که آبادی پاکیزه و پروردگار آمرزنده دارید. اما آنها روی برگردانیدند پس ما سیل تنندی بر آنها فرستادیم و دو بوستانشان را دو بوستان با میوه‌های تلخ و گز و کمی درخت سدر مبدل ساختیم! این سزای کفرشان بود که به آنها دادیم و آیا جز بر ناسپاس کيفر می‌دهیم؟! و بین آنها و قرآنی که در آنها برکت نهادیم

آبادی‌های آشکاری قرار دادیم و گردش در آنها را بر آنان مقرر نمودیم (و گفتیم) شب‌ها و روزها ایمن در آنها بگردید. (ولی آنها) گفتند پروردگار! در سفرها راه‌های ما را دور گردان و بر خویشتن ستم کردند. پس ما آنها را عبرت داستان‌ها کردیم و سخت از هم پراکنده ساختیم. بی‌گمان در این امر نشانه‌هایی بر هر شکیبای سپاسگزار می‌باشد. و همانا ابلیس گمان خویش را بر آنان جلوهر ساخت تا جز فرقه‌ای از مؤمنان همه پیرو او شدند. شیطان را بر مردمان تسلطی نبود (و این برای آن بود) مگر باز شناسیم کسی را که به آخرت ایمان دارد از کسی که در آن باره در شک می‌باشد و پروردگارت بر همه چیز نگاهبان است. (۱۹ - ۲۱)

بگو آنهایی را که جز خدا (معبودانی) می‌پنداشتید بخوانید. آنها به قدر ذره‌ای نه در آسمان‌ها و نه در زمین و آنچه در آنهاست، با خدا شرکت ندارند و او آنان را هیچ یاری و مدد نرساند. در پیشگاه او شفاعتی سود نمی‌دهد مگر بر کسی که بدو اذن داده باشد. هنگامی که از دل‌های آنها اضطراب و ترس برطرف شود گویند پروردگارتان در باب شفاعت چه فرمود؟ جواب دهند حق و او خدای بلندمرتبه و بزرگوار است. بگو چه کسی از آسمان‌ها و زمین شما را روزی می‌دهد؟ بگو خدا و (یکی از) ما یا شما، به راه راست هستیم و (دیگری) در گمراهی آشکار! بگو از آن چه ما بد کنیم شما را نمی‌پرسند و از آن چه شما می‌کنید از ما سؤال نمی‌نمایند. بگو پروردگاران میان ما جمع می‌کند و آنگاه به حق بین ما داوری می‌نماید و او داور داناست. بگو به من بنمائید شرکائی را که بر او (خدا) برسئید. نه چنین است بلکه او خدای پیروز و فرزانه است! (۲۲ - ۲۷)

و تو را بشارت دهنده و بیم‌رسان برای همه مردم فرستادیم ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. و گویند این وعده کی است اگر راست می‌گوئید؟ بگو بر شما موعدی است، روزی که نه ساعتی از آن درنگ می‌کنید و نه پیش ما می‌افتید. و کافران گویند به این قرآن و آن چه پیش از آن بوده است ایمان نمی‌آوریم! و ای‌کاش می‌دیدید رستگاران را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشته می‌شوند. بعضی از آنان با بعضی گفتگو کنند: مستضعفان به مستکبران گویند اگر شما نبودید ما ایمان می‌آوردیم. مستکبران به مستضعفان پاسخ دهند آیا بعد از آن که هدایت بر شما آمد ما شما را از آن بازداشتیم؟! نه بلکه شما خودتان گناهکار بودید. و مستضعفان به مستکبران جواب گویند نه بلکه حیلۀ شب و روزی شما ما را بازداشت. هنگامی که ما را دستور می‌دادید که به خدا کفر ورزیم و بر او شریکائی قرار دهیم! و چون عذاب را ببینند پشیمانی را پنهان دارند و ما غل‌هایی بر گردن‌های کسانی قرار دادیم که کافر شدند! آیا جز بدان چه می‌کردند کیفر ببینند؟! (۲۸ - ۳۳)

ما به هیچ قریه‌ای بیم‌رسان نفرستادیم مگر آن که توانگران آنها گفتند ما بدان چه شما فرستاده شده‌اید باور نداریم. و گفتند ما از حیث اموال و اولاد بیشتریم و ما را عذاب ننمایند! بگو پروردگار من به هر که خواهد گشایش رزق و روزی می‌دهد و به هر که خواهد آن را تنگ می‌نماید ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند مگر کسی که ایمان آورده کارهای نیکو انجام دهد که در آن صورت به آنان بدان چه کردند دو چندان پاداش باشد و آنها بپندارند که در غرفه‌های (بهشت) ایمن باشند. و کسانی که تلاش می‌کنند با باطل ساختن آیات ما، ما را عاجز گردانند آنان در عذاب حاضر کرده شوند! بگو پروردگار من به هر کس از بندگانش که خواهد فراخی روزی عطا کند و یا بر او تنگ گیرد. هر چیزی که شما انفاق کنید آن را عوض می‌دهد و او بهترین روزی دهندگان است. (۳۴ - ۳۹)

و روزی (خدا) همه آنها را گردآورد سپس به فرشتگان گوید آیا اینها بودند که شما را

پرستش می‌کردند؟ گویند پاک و منزهی تو، صاحب و معبود ما تویی نه آنها! بلکه اینها جن را می‌پرستیدند و بیشترشان به آنها ایمان آورده بودند! پس امروز از شما بعضی بر برخی دیگر سود و زبانی نرساند و به آنهایی که ستم کردند گویند بچشید عذاب آتش را که آن را دروغ می‌شمردید! و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده شود گویند این است مردی که می‌خواهد شما را از آن چه پدرانتان بدان پرستش می‌کردند باز دارد و گویند که این (قرآن) جز دروغ بافته شده چیزی نیست و کسانی هم که، هنگام نزول حق بر آن کفر ورزیدند، گفتند که این جز جادوی آشکار نمی‌باشد! (۴۰ - ۴۳)

و ما به آنها کتاب‌هایی ندادیم که بخوانند و پیش از تو هم بیم‌رسانی بر آنها نفرستادیم (که دلالت بر دروغ بودن قرآن نماید)! آنها کسانی را هم که پیش از ایشان بودند تکذیب کردند (و این کافران امت تو از حیث مال و جاه) به ده یک آن چه بر آنها (یعنی پیشینان) داده بودیم نرسیدند. پس پیامبران مرا تکذیب کردند بنگر چگونه بود عذاب من! (۴۴ - ۴۵)

بگو من شما را به یک امر پند می‌دهم که دوگان دوگان و یکان یکان برای خدا به پا ایستید آنگاه ببینید که در یار و صاحب شما (محمد) دیوانگی نیست و او بیم‌رسانی است بر شما از عذابی که در پیش است! بگو من هر اجری از شما بخواهم بر شما باشد اجر و مزد من جز بر خدا نیست و او بر همه امور آگاه می‌باشد. (۴۶ - ۴۷)

بگو پروردگار من حق را در دل من بی‌افکند و او دانی نهان‌هاست. بگو حق آمد و باطل دوباره نیاید و باز نگردد! بگو اگر من گمراه گشته‌ام آن گمراهی بر خود من است و اگر هدایت یافته‌ام به سبب وحی پروردگارم است که بر من وحی می‌شود که او شنوای نزدیک است. (۴۸ - ۵۰)

و اگر آنها را بیمناک و مضطرب بینی نجاتی بر آنها نیست و از جای نزدیک گرفته شوند^۱. و گویند بدو ایمان آوردیم (ولی) چگونه از راه دور بر آنها بازگشتی باشد؟^۲ همانا آنها از پیش باور نداشتند و به گمان خویش سخنانی دور از حقیقت درباره او (محمد) می‌گفتند. و بین آنها و آن چه که آرزو می‌کردند جدائی افتاد، بدان سان که درباره همانندهایشان از پیش شده بود زیرا آنها در شک و گمان بودند. (۵۱ - ۵۴)

۱. نوشته‌اند مراد از جای نزدیک از روی زمین به زیرزمین یا از موقف به دوزخ باشد.

۲. جای دور یعنی قیامت و محشر که چگونه ممکن باشد کسی از آن به دنیا بازگردد!